

عبدالحسین زین کوب

دبارة زندگی و اندیشه ابو حامد غزالی

فراز از مدرسه

www.ketab.ir



www.ketab.ir

سرشناسه: زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۰۱-۱۳۷۸.

عنوان و نام پدیدآور: فرار از مدرسه: درباره زندگی و اندیشه

ابوحامد غزالی / تألیف عبدالحسین زرین کوب.

مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۲.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰۰-۰۰۰۱-۴

یادداشت: چاپ، هفدهم، ۱۴۰۳.

رده بندی کنگره: ۴۱۳۹۲: ۴زغ/۵/۴ BPO

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۹۴۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۰۳۲۰۸

# قرار از مددگار

درباره زندگی و اندیشه ابو حامد غزالی

عبدالحسین زرین کوب

چاپ هفدهم، مرداد ماه ۱۴۰۳، ۳۰۰ نسخه

طراح جلد: سید احسان حسینی

امور هنری: مسعود چترروز

ویرایش: امیرحسین قانع

صفحه آرایی: امین شجاعی

طبع و چاپ: محمد امین رضاپور

چاپ و انتشارات: چاپخانه انتشارات امیرکبیر

www.kotab.ir

دفتر مرکزی: تهران، ضلع جنوب شرقی چهارم

مخبرالدوله، پلاک ۲

شماره تماس: ۰۲۱-۳۳۹۰۰۷۵۱

کد پستی: ۱۱۴۳۸۱۷۸۱۸



همه حقوق مادی و معنوی این کتاب برای  
مؤسسه انتشارات امیرکبیر محفوظ است.

a m i r k a b i r . i r

## فهرست

۷	مقدمه
۱۷	کودکی و جوانی
۳۹	درس امام‌الحرمین
۵۹	لشکرگاه
۷۹	در نظامیه بغداد
۱۰۵	فرار از مدرسه
۱۲۳	در کشمکش رهایی و گریز
۱۴۳	فیلسوف، ضد فلسفه
۱۷۳	سبک و آثار
۲۰۱	بازگشت
۲۳۹	مدرسه یا خانقاه؟
۲۶۳	کتابنامه گزیده
۲۷۱	شمارنامه عمر
۲۷۷	کارنامه آثار
۲۸۷	گزیده نکته‌ها
۲۹۹	نمایه

## مقدمه

با این همه تحقیق که تاکنون در احوال و آثار ابو حامد غزالی انجام یافته است، هنوز درباره زندگی و اندیشه او موارد ابهام کم نیست. این نکته نه فقط ناشی از تاریکی‌هایی است که بر تاریخ عصر او، تاریخ عصر سلاجقه، سایه افکنده است بلکه تا حد زیادی نیز ناشی از غفلت و بی‌توجهی به آثار او است که بعضی از آن‌ها هنوز فقط به صورت نسخه‌های خطی است، برخی چاپ دقیق انتقادی ندارد، پاره‌ای با عنوان‌های مختلف دیگر نیز زیاد شده است و تعدادی دیگران به نام او بر ساخته‌اند یا به هر حال اصالت آن‌ها محل تردید است. به علاوه، وسعت و تنوع قلمرو آثار و افکار وی که غالباً نیز مشحون از سخنان تازه یا توجیه‌های بی‌سابقه است، امکان احاطه پژوهنده را بر سراسر قلمرو کار او دشوار می‌کند؛ چراکه در همه تاریخ فرهنگ اسلامی شاید کمتر کسی را بتوان یافت که به قدر غزالی تنوع تمام عرصه یک فرهنگ را در زندگی و اندیشه خویش به این حد پرمایه و جاندار تصویر کرده باشد.

در حقیقت زندگی بالنسبه کوتاه اما آکنده از فعالیت و تحرک غزالی چنان وسعت و نفوذی داشته است که تقریباً هیچ خطه شایان توجه را در سراسر آفاق وسیع فرهنگ عصر وی، ناگشوده یا ناشناخته باقی نگذاشته است؛ چنان‌که تحصیل و سپس تدریس در عالی‌ترین مدارس عصر، مراوده و مکاتبه با طلاب و علمای حنفی و حنبلی و مالکی در خراسان و عراق و شام، مصاحبه و مناظره با فقها و علمای بزرگ و نامدار دوران در مجالس وزرا و فرمانروایان، تدریس و تصنیف طولانی در فقه

شافعی و مسائل مربوط به اصول و کلام، آشنایی دقیق با کتب فلاسفه و مباحثه با علما و حکمای عصر، مبارزه برضد دعوت باطنی‌ها و تصنیف رسالات در رد آن‌ها، مکاتبه با رجال و وزرای عصر، و سعی در اصلاح و ارشاد آن‌ها، سیاحت طولانی در بلاد خراسان و عراق و حجاز و فلسطین، صحبت با مشایخ صوفیه و زهاد و وعاظ معروف، دفاع از تصوف و اشتغال به ریاضت در خانقاه‌ها که این همه، قسمتی از زندگی پرمشغله او را خلاصه می‌کند، وسعت تماس او را با فرهنگ عصر وی نشان می‌دهد و از وی در عین حال یک فقیه متجدد و صاحب نظر، یک متکلم مناظره جوی و دعوتگر، یک فیلسوف منتقد، یک صوفی عارف، یک معلم خوش تقریر و حتی یک نویسنده پرکار می‌سازد که بخش عمده فرهنگ عظیم یک عصر درخشان را در آثار خویش منعکس ساخته است. مجموعه این ویژگی‌هاست که به شخصیت استثنایی او ابعاد گونه‌گون داده است و از آن میان مخصوصاً وسعت بُعد نویسندگی و کتاب‌پردازی، علمی بُعد فلسفی و کلامی و عظمت بُعد عرفانی و اخلاقی او غالباً چنان است که سایر ابعاد شخصیت او را در سایه می‌افکند و شک نیست که چنین شخصیتی را نمی‌توان با مقایسه‌های ساده که انسان‌های معمولی، انسان‌های بی‌بُعد یا یک‌بعدی را با آن‌ها می‌سنجند، گردانند و دوری و شناخت آورد. خاصه که در تمام این ابعاد آنچه بیشتر مایه امتیاز او هست، اصالت و ابتکار کم نظیر است که در آنچه نیز از دیگران اخذ و اقتباس کرده است، نشانه تصرف و ابداع پیدا است و لامحاله در طرز تقریر و بیان این اصالت جلوه دارد. چنان‌که حتی با وجود تحول فکری عظیم و کم‌مانندی که هفده ساله اخیر عمر او را رنگ خاصی از تصوف داد، اصالت و رسوخ این ابعاد دیگر در وجود او آن مایه بود که تأثیر آن‌ها حتی در پایان یک تحول تکان‌دهنده روحی نیز به کلی از بین نرود و چنان نشانه‌ای از آن ابعاد در ورای این تحول باقی بماند که بدون توجه به آن‌ها حتی تحول فکری شگرف زندگی وی را نیز به درستی نتوان ارزیابی کرد.

در واقع، کمتر پیش می‌آید که درباره ابو حامد غزالی سخن در میان افتد و این تحول شگرف روحی که تقریباً ثلث آخر حیات این دانشمند بلند آوازه اسلام را از باقی عمر وی جدا می‌کند به مثابه یک خط قاطع در تاریخ زندگی وی توجه پژوهنده

را جلب نکند. طرفه این است که هر چند این تحول نیز خود نوعی شورش بر ضد علم رسمی و نوعی گرایش به معارف قبلی بود، غزالی در دوره بعد از این تحول هم مثل دوره قبل از آن، همچنان از اشتغال به تصنیف و کتاب باز نایستاد و نه فقط آنچه را در بغداد رها کرد، در نیشابور دیگر بار رجوع گونه‌ای به آن کرد، بلکه حتی در سفرهایی و گریز قدس و شام هم یکسره از اشتغال به تألیف و تصنیف بازماند و کتابی مثل *احیاء علوم الدین* را در این دوره طرح و تألیف کرد.

اینجاست که بحث ترتیب و توالی آثار او پیش می‌آید و حتی بررسی انتساب آن‌ها برای پژوهنده همچون مسئله‌ای مهم جلوه می‌کند. به حقیقت، تا وقتی نتوان ترتیب تاریخی منظمی به آثار و تألیفات واقعی و قطعی او داد، نه احوال او را از روی روایات نویسندگان کتاب‌های تذکره و طبقات می‌توان روشن و بی‌تناقض یافت، نه توالی رشته افکار و جزو مبد اندیشه‌های او را می‌توان به دقت و اطمینان دنبال کرد. این کار تنظیم آثار از روی ترتیب تاریخی، البته دشوار است و دشوارتر آنکه ملاک دقیقی هم که بتواند عاری از ایراد باشد برای این کار نمی‌توان یافت.

بدون شک این نکته که ذکر نام یکی از آثار دیگر نشانه‌ای بر صحت انتساب آن اثر بتوان تلقی کرد همیشه مایه اطمینان نیست. چرا که پاره‌ای کتاب‌های منحول و مجعول نیز که به غزالی نسبت داده‌اند، و رساله سرالمنان از آن جمله است، هم از اشارت به آثار وی که صحت انتساب آن‌ها محل تردید نتواند بود، خالی نیست. ملاک‌هایی هم که پاره‌ای شرق‌شناسان اروپایی از جمله مونتگامری وات<sup>۱</sup> در این باره پیشنهاد کرده‌اند، در عمل همواره چندان قابل اتکا نیست. از جمله این نکته که می‌گویند غزالی اصرار داشته است خویشتن را همواره پایبند به عقاید اهل سنت نشان دهد. البته در مورد آثار قطعی وی صادق هست اما مانعی هم ندارد که یک کتاب منحول یا مجعول نیز در همین حد به التزام عقاید سنی پایبند مانده باشد و باین همه به عمد یا به سهو به غزالی منسوب شده باشد. این ملاک هم که می‌گویند غزالی آثار خود را با نظم و ترتیبی منطقی تصنیف کرده است، هر چند معقول و حتی مقبول به نظر می‌آید، لیکن قاعده تخلف‌ناپذیر هم نیست و بسا که در احوال و ظروف خاص هم کتاب‌هایی نوشته باشد برای رفع یک حاجت فوری یا بحث

1. Montgomery Watt, JRAS, 1946

در یک مسئله مربوط به روز. این هم که در دوره آخر حیات، غزالی قائل به وجود امری مافوق عقل بوده است، بر فرض که درست باشد و قول غزالی را در باب یقین ایمانی بتوان بدین گونه تعبیر کرد، باز خود مانع از آن نیست که در آنچه وی برای عامه دانش طلبان و یا حتی برای اکثر شاگردان خویش می نویسد، مطابق مشرب جمهور فقها و متکلمان تفوق عقل را تصدیق کرده باشد - خاصه در دوره بازگشت به تدریس در نظامیه نشابور. در واقع تعدادی از آثار غزالی هست که اگر در انتساب آن ها جای بحث نیست، درباره تاریخ قطعی تألیف آن ها اختلاف است و همین نکته بررسی در توالی فکری وی را دشوار می کند و مشکل عمده در این باب کثرت فوق العاده و تنوع این آثار است.

حقیقت آن است که آثار غزالی حتی با قطع نظر از آنچه مفقود و مکرر و مجعول است و آنچه انتسابش مشکوک به نظر می آید، هم از لحاظ تنوع مسائل بسیار است و هم از جهت تعداد. به همین سبب در آن باب تاکنون تحقیقات بسیار کرده اند و جای آن نیز هست. دو اثر مهم در این کتاب عبارت است از: کتاب مؤلفات الغزالی تألیف عبدالرحمن بدوی به زبان عربی و کتاب موریس بویژ، در باب ترتیب تاریخی آثار غزالی به زبان فرانسوی. هر دو اثر با وجود اشتباهات و نقص هایی که دارد و ناآشنایی با نسخه های موجود در ایران موجب وقوع پاره ای از آن اشهرها گشته است، امروز برای هر پژوهنده ای که بخواهد در باب غزالی و آثار او بررسی کند، ضروری است. پاره ای از این مؤلفات غزالی بدون شک مأخذ یگانه برای شناخت درست برخی از جنبه های اندیشه و زندگی غزالی است، اما بسیاری دیگر مخصوصاً آنچه در باب فقه و اصول و کلام و منطق است، بیشتر معرف پایه دانش عصر است و در عین آنکه به تاریخ آن دانش ها ارتباط دارد، حاکی از سلیقه خاص نویسنده است در تدوین و تبیین مجدد مباحث معمول در بین اهل مدرسه. مع هذا دریافت نحوه تکوین اندیشه غزالی که محرک واقعی تحولی که در زندگی او روی داد نیز هست، بدون توجه به تاریخ پیدایش این آثار و ارزیابی مندرجات آن ها ممکن نیست و بدون نقد تاریخی این آثار و بررسی در صحت انتساب آن ها نمی توان زندگی و اندیشه غزالی را به درستی ادراک کرد.



اگر اروپایی‌ها هنوز گهگاه وی را به‌عنوان نماینده فلسفه مشائیان اسلام در قرون وسطی می‌شمرند، البته سبب آن است که دوران اسکولاستیک فقط از مقاصد الفلاسفه او آگاهی داشت و از تهافت الفلاسفه که در واقع، ویرانگری و باطل‌شماری «مقاصد» بود، بی‌خبر ماند؛ اما غزالی، هر چند به‌رغم مخالفتش با فلسفه، در عین حال یک فیلسوف و یک نقاد فلسفه هم هست، وجودش در همین یک بُعد فکری نیز محدود نمی‌ماند و مخصوصاً ابعاد دیگرش که اسکولاستیک از آن غافل مانده است، عبارتند از: اخلاق، عرفان و تصوف.

به‌علاوه، اگر چند به‌گفته یولیوس اوپرمان<sup>۱</sup> محصول و تصویر محیط فرهنگی روزگار خویش است و آثارش روی هم‌رفته کنش و واکنش قوای گوناگون مؤثر در پیدایش فرهنگ اسلامی آن روزگاران را نشان می‌دهد، لیکن زندگی او به‌عنوان زندگی یک دانشمند و یک انسان، در عین حال مجموعه‌ای است از کشمکش‌ها و دگرگونی‌های یک رمان پرماجرا که شاید دنبال کردن آن برای خواننده عادی نیز همچون پژوهنده تاریخ و فلسفه جالب و دل‌چسب باشد. هر چند آنچه فی‌المثل ژان لاهور<sup>۲</sup> شاعر فرانسوی از حرای و رباعیاتش برداشته است، خواننده رمان را نیز در گرد و غبار افسانه‌ها و اندیشه‌های حیا می‌کند.

درباره زندگی غزالی، البته کتاب المنقذ من الضلال او مجدد عمده‌ای است؛ اما آن رساله را در عین حال نمی‌توان یک نوع ترجمه حال شخصی تلقی کرد، چراکه نویسنده در آن به بیان دقیق جزئیات زندگی خویش نظر ندارد و فقط می‌خواهد ماجرای دگرگونی‌های فکری خود را تصویر کند و اودیسه<sup>۳</sup> روحانی خود را. از این رو در ضمن آن غالباً، جز به ندرت، شاید اهمیتی به سال‌ها و تاریخ‌ها نداده باشد و البته با چنان حال شور و استغراق که او در هنگام نگارش کتاب المنقذ خویش داشته است، توقع پرداختن به این خرده‌کاری‌ها را از وی نمی‌توان داشت. گذشته از المنقذ، مأخذ دیگری که نیز از جهت انتساب به غزالی باید آن را در ردیف مأخذ عمده به شمار آورد مجموعه نامه‌های اوست که یک تن از خویشان جمع آورده

1. J. Obermann, Der Philosophische und religiose Subjektivismus Ghazalis, 1821/2.

2. Jean Lahor, Les Quatrains d' al -Ghazali, 1896

3. *odyssee*

است و با آنکه شاید از دست‌کاری‌ها و افزودن کاستی‌هایی هم خالی نباشد، در آنچه مربوط به سال‌های آخر عمر غزالی است، از آن غالباً می‌توان استفاده بسیار کرد.

از آنچه معاصران غزالی در احوال وی نوشته‌اند، مخصوصاً باید روایت عبدالغافر فارسی را که کتاب *السیاق التاريخ* نیشابور اوست، یاد کرد. هرچند روایت وی آن‌گونه که در منتخب *السیاق* موجود خلاصه شده گهگاه آشفته و درهم به نظر می‌آید، لیکن تمام روایت وی را ابن عساکر و سبکی هم نقل کرده‌اند و چون عبدالغافر نواده دختری امام قشیری و خود از هم‌درسان غزالی در حوزه امام الحرمین بوده است و از این‌ها گذشته، در بازگشت ابوحامد به خراسان نیز به صحبت او رسیده است، آنچه وی در احوال غزالی نوشته است، در شناخت وی اهمیت دارد و آنجا که نشان غرض یا بی‌اطلاعی در آن نیست، باید آن را بر اقوال دیگران ترجیح داد. مع‌هذا روایت او نیز آن‌گونه که باید کامل و دقیق نیست، چنان‌که وی در این روایت هیچ اشارتی به مسافرت ابوحامد به جرجان ندارد، در صورتی که روایت منقول از اسعد میهنی و خواجه نظام‌الملک که نیز خود هم هم‌سالان غزالی بوده‌اند و داستان برخورد با رهنمان را در هنگام بازگشت از جرجان هم از زبان خود نقل کرده‌اند، تردیدی در وقوع این مسافرت باقی نمی‌گذارد. همچنین در باب مسافرت‌های غزالی در شام و قدس و حجاز نیز سخنان وی با گفته خود غزالی در *المنتقد من الضلال* و با پاره‌ای اخبار قابل اعتماد دیگر سازش ندارد و البته نمی‌توان تنها به دست‌او‌یز آشنایی وی با غزالی و بدون توجه به عوامل دیگری که ممکن است احیاناً در روایات او نابسامانی‌هایی را سبب شده باشد، بر تمام آن روایات وی اعتماد تام کرد.

از سایر روایات بالنسبه قدیم نیز آنچه را ابوالفرج بن الجوزی و ابوالظفر سبط بن الجوزی در احوال وی آورده‌اند، با آنکه غالباً مشتمل بر مطالب مهم به نظر می‌آیند، باید با قدری احتیاط تلقی کرد؛ چراکه آن‌ها روی هم رفته حسن ظنی در حق ابوحامد و برادرش احمد نداشته‌اند و در جای‌جای روایت خویش بر آن‌ها طعنه‌ها وارد کرده‌اند - پنهان یا آشکار. چنان‌که در یک روایت ابن الجوزی می‌گوید غزالی بعد از ترک تدریس و اشتغال به ریاضت و سیاحت، باز به خاطر ملاقات با یوسف بن تاشفین،

صاحب مراکش، به مصرفت و یک چند هم در اسکندریه ماند و چون از وفات یوسف خبریافت از مسافرت به مغرب منصرف گشت. این روایت نه با مفاد اقوال غزالی و اخبار دیگر که نشان می‌دهد غزالی مقارن اوایل قرن ششم در خراسان بوده است، سازش دارد نه با شیوه زهد و ریاضت صوفیانه وی که در آن سال‌های عزلت و انزوا از برخورد با اهل دنیا و ملاقات با فرمانروایان و امیران عصر به شدت اجتناب داشته است سازگار می‌نماید. چنان به نظر می‌آید که این روایت را عمدتاً بر ساخته باشند تا صدق دعوی غزالی را در زهد و ترک، بی‌بنیاد و مهمل جلوه دهند و زهد و صلاحش را بی‌معول.

در بین روایات دیگر، اخبار ابن سمعانی بیشتر قابل اعتماد است و بعد از آن باید از روایات ابن اثیر، ابن خلکان، و ابن عساکریاد کرد. مع‌هذا بدون مقایسه دقیق تمام این مآخذ و بدون مراجعه دائم و مکرر به روایات متأخرتر مثل اقوال ذهبی، سبکی و یافعی که خود آن‌ها تا چنان‌جا که بر روایات کهنه‌تر است و مخصوصاً بدون توجه به حوادث و احوال عصر غزالی که در آن رخ می‌دهد سلجوقیان پراکنده است، فهم درست زندگی و انگیزه‌های عمده‌ای که در تحول فکری او و در آثار گونه‌گون او تأثیر گذاشته‌اند، ناممکن است و غفلت از نقد درست تمام این مآخذ بسا که پژوهنده را گمراه کند و به کژاندیشی و پیش‌داوری رهبری نماید.

تحول شگرف زندگی غزالی، تنوع وسیعی که در آثار او هست، و مخصوصاً تأثیر قابل ملاحظه‌ای که افکار و آثار او در قلمرو دین و فلسفه و تصوف اسلامی باقی گذاشته است، سبب شده است که از دیرباز جویندگان بسیار در شرق و غرب به بحث و تحقیق در احوال وی دست بزنند. چنان‌که حتی فهرست مهم‌ترین فرآورده‌های این تحقیقات را نیز این‌جا در طی این مقدمه کوتاه نمی‌توان برشمرد. از جمله در بین آنچه شرق‌شناسان در طی دو نسل اخیر راجع به وی تحقیق کرده‌اند، آسین پالاسیوس<sup>۱</sup> و مونتگامری وات به جنبه کلامی فکری بیشتر توجه کرده‌اند، اوبرمان و تا حدی ونسینک<sup>۲</sup> مخصوصاً به جنبه فلسفی آن بیشتر نگریده‌اند؛

1. A. asin palasios

2. Wensinck

چنان‌که کسانی چون ماک دونالد،<sup>۱</sup> بگلی،<sup>۲</sup> شبلی نعمانی و فرید جبر نیز هریک در باب جنبه‌ای از تعلیم او بررسی‌هایی کرده‌اند. در عین حال با آنکه بیشتر کارهای غزالی از جهات گونه‌گون بارها تاکنون مورد بررسی واقع شده است، چیزی که هنوز از دیدگاه خواننده کنجکاو امروز پژوهش تازه‌ای را طلب می‌کند، مهم‌ترین کار اوست - زندگی‌اش. از آنکه عظمت و عمقی که در زندگی او هست، چندان است که ارزش آن از هیچ‌یک از کارهای دیگرش کمتر نیست و همین نکته است که آن را درخور بررسی جداگانه‌ای می‌دارد.

اگرچه در این باب نیز پژوهندگان کتاب‌ها، پرداخته‌اند و از جمله غزالی‌نامه استاد همایی، کتاب بارون کارا دو و و<sup>۳</sup> فرانسوی و کتاب غزالی اثر مارگرت اسمیث<sup>۴</sup> انگلیسی در این زمینه اطلاعات بسیار سودمند در بردارند، باز بررسی تازه‌ای که مبتنی بر نقد و ارزیابی مجدد پژوهش‌های اخیر شرقی و غربی در باب غزالی باشد، به نظر خالی از فایده نیست. در حقیقت آنچه نیز نویسنده این کتاب را به تحقیق تازه‌ای درباره زندگی و اندیشه غزالی واداشت، توجه به همین فایده بود. به علاوه با طرح تصویری از زندگی و اندیشه دانشمند پرآوازه‌ای که تصوف را به‌رغم مخالفت‌های ظاهرگرایان در فرهنگ اسلامی دوست واقعی بخشید، امید آن هست که این کتاب در عین حال درآمدی تلقی شود برای همه نویسندگان در باب عطار و مولوی در دست تألیف دارد و اگر اسباب نشر آن‌ها حاصل آید، مجموع هر سه کتاب یک سرگذشت سه‌گانه خواهد بود از پیدایش و توسعه تصوف ایرانی و جنبه‌های سه‌گانه آن: اندیشه، احساس و زندگی. در حقیقت با آنکه عطار و غزالی از حیث عمق و سادگی با یکدیگر تفاوت بارز دارند، تعلیم آن‌ها قرابت بسیار نشان می‌دهد و هر چند مولوی و غزالی همچنان‌که نیکلسون خاطر نشان می‌کند، اگر در یک دوره می‌زیستند، شاید نسبت به شیوه زندگی یکدیگر چندان تفاهم نشان نمی‌دادند، لیکن تعالیم آن‌ها چنان با هم ارتباط دارد که فهم تمام جنبه‌های عرفان ایرانی بدون آشنایی با احوال و آثار این هر سه تن ممکن نیست. نالانی چند ماهه نویسنده

1. Macdonald
2. Beagley
3. Carra de Vaux
4. M. Smith

که سال گذشته هم زمان با شروع چاپ این کتاب پیش آمد، وی را واداشت تا دو فصلی از اواخر کتاب را که تجدید نظر نهایی در آن ها دقت و حوصله ای تندرستانه را طلب می کرد، حذف کند. باشد که در یک چاپ دیگر مجالی پیش آید تا آن ها را به متن درافزاید. چاپ حاضر البته بیش از هر چیز مرهون لطف و عنایت انجمن آثار ملی است که از اولیای آن، به ویژه جناب سپهد آق اولی، جناب استاد صدیقی، و جناب مصطفوی به خاطر محبت های بی شائبه شان امتنان دارم. باین همه، باید اذعان کنم که اگر لطف بعضی عزیزان دیگر در این راه گامی چند پیش نهاده بود، دنباله بیماری نویسنده، نشر کتاب را به همین گونه که هست نیز اجازه نمی داد. در این میان مخصوصاً از صدیق دانشمند ایرج افشار، که در تهیه مقدمات نشریاری ها کرد، از دوست گرمی، عنایت الله مجیدی، که در استخراج و تدوین فهرست ها سعی و همت فوق العاده نشان داد، از مشفق مهربان، محمود مطیر، که در کار طبع دل سوزی و مراقبت صمیمانه کرد، از برادر عزیز، عظیم زرین کوب که در تهیه فهرست مربوط به گزیده نکته ها اهتمام بسیار فرمود، و مخصوصاً از همسر مقرر آریان که غیر از تصحیح مطبعی دو فهرست جالب کتابنامه عمر و کارنامه آثار را بر کتاب افزود، سپاس بسیار دارم و جز عیب، هر چه را در این کتاب همت به این عزیزان و به همه کسانی که نام آن ها کتابنامه این دفتر ازینت بخشیده است، مرهون می شمارم. در واقع، با آنکه تدوین این کتاب چهار سال پیش در دانشگاه لوس آنجلس پایان یافته بود، اگر یاری ها و پایمردی های این عزیزان نبود، شاید هنوز اقدامی برای نشر آن نمی کردم و اکنون نیز که چاپ آن به پایان می رسد از خود می پرسم که آیا در فرار از مدرسه هم، مثل قهرمان خویش گهگاه همچنان در حصار مدرسه نمانده ام؟

طهران ۱۳۵۳

عبدالحسین زرین کوب